

B.A. Part-III (Semester-VI) Examination
LITERATURE OF CLASSICAL LANGUAGE
PERSIAN LITERATURE

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 80

Note :- Attempt all questions.

1. Translate and explain any **two** of the following passages :—

16

(۱) از وقتی که ایرانیان این شهر را از دست داده اند، دیگر صحهاهنگام سپیده دمان، ظهر هادر موقع درخشندگی آفتاب طرب انگیز و سطر روز، عصرهاهنگام وداع آفتاب و نیمه شبان در موقع این سکوت جهان گیر، بانگ ملائم و حزن موزن و آواز عاشقانه او گوش در بندیان بدبخت که از جذبه روح نواز زندگی مشرق زمین بازمانده اند، نمی رسد. این آهنگ سرور آمیز، این زن شعر طبیعت که گویی از نوای هزار درستان گرفته اند، چند نیست که دیگر در هوای لطیف این شهر بدبخت طنین نمی فکند.

(۲) اما شعر هنر است. غرض رفع احتیاج های نخستین و آنی نیست بلکه اینجا حاجات ثانوی حاجات عالی تر و لطیف تر در کار است. انسان به بیان عواطف یعنی حالات نفسانی خود نیز حاجت دارد. و همچنین حاجت دارد که این عواطف را با دیگران نیز میان بگذارد و ایشان را در این حالات با خود شریک کند. اصل و منشأ همه انواع هنر همین حاجت است.

(۳) خوب یاد می آید که آن روز بعد از آنکه تنختم معین شد رسماً تحت اختیار مسئول بخش قرار گرفتم، سرپرستار به شوهر و بچه هایم گفت خیالشان از هر جهت راحت باشد و هر روز از ساعت دو بعد از ظهر تا هفت شب می توانند برای ملاقات بیایند. در واقع باین تذکره رآنها را خواست و با هم دل ناچار از من خدا حافظی کردند و رفتند. بارفتنشان فضای وسیع آن سالن یا همه مریضها، رفت و آمد پرستارها با دکترها و خدمتگاران بیمارستان به نظر کم و کچک و کوچکتر شد و سرانجام به حد یک سلول تنگ انفرادی درآمد.

2. (A) Explain with reference to the context any **four** of the following couplets :—

8

- (۱) در کوی عشق باش مقید بجا مشو
 پروانه راز باغ جهان آشیان کجا است
- (۲) دلبر بی خشم و کین گلبن بی رنگ و بوست
 دلکش پروانه نیست شمع بی فروخته

- (۳) در وطن خود گهر آبله بیش نیست
کی به عزیزی رسد یوسف نفروخته
- (۴) هرکس شناخت قدر مرا قیمتم شکست
گوهر شناس بی غرض اندر جهان کجاست
- (۵) داروی بیماریش مستی پیوسته است
چشم تو این حکمت از پیش که آموخته
- (۶) قمری ریخته بلم به پناه که روم
تابه کی سرکشی ای سرو خرامان از من
- (۷) نی همین می رمد آن نوگل خندان از من
می کشد خار درین بادیه دامان از من

(B) Explain any **one** of the following sets of stanzas :—

8

- (۱) بود انسان در جهان انسان پرست
ناکس و نابود مند وزیر دست
سطوت کسری و قیصر رهزنش
بندھا در دست و پاو گردش
کاهن و پاپا و سلطان و امیر
بهر یک نخیر صد نخیر گیر
صاحب اورنگ و هم پیر کنشت
باج بر کشت خراب و نوشت
- (۲) از زمان خود پشیمان می شوم
در قرون رفته پنهان می شوم
سترزن یازوج یا خاک لحد
ستر مردان حفظ خویش از یار بد
حرف بدر ابر لب آوردن خطاست
کافر و مومن همه خلق خداست
آدمیت احترام آدمی
با خبر شو از مقام آدمی

(۳) (الف) آمد سحری نواز میخانہ ما

کای رند خراباتی و مستانہ ما

برخیز کہ پر کنیم پیانہ زی

زان پیش کہ پر کنند پیانہ ما

(ب) در دھر ہر آنکہ نیم نانی دارد

از بھر نشست آستانی دارد

نہ خادم کس بودنہ مخدوم کسی

گوشاد بزی کہ خوش جہانی دارد

3. Attempt the following by choosing the correct option from those given in brackets :— 16

- (۱) مجموعہ شعرا نگور..... کی نظموں کا مجموعہ ہے۔ (نیما یوشیج، نادر نادر پور، پرویز نائل خاٹری، پروین اعتصامی)
- (۲)..... کو بابائے شعر نو تسلیم کیا گیا ہے۔ (ملک الشعراء بھار، احمد شاملو، نیما یوشیج، فریدون تولّی)
- (۳) نیما یوشیج کا اصلی نام..... تھا۔ (علی نوری، ابراہیم خان، فریدون، حسن صوفی)
- (۴) م۔ امید..... کا تخلص تھا۔ (مہدی اخوان ثالث، احمد شاملو، جعفر خاٹمی، احمد مشیری)
- (۵) احمد شاملو..... میں پیدا ہوا۔ (بخارا، شیراز، تہران، سمرقند)
- (۶)..... نے ایران میں پہلی مرتبہ نثری نظم کا تجربہ کیا تھا۔ (نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، فریدون مشیری، احمد شاملو)
- (۷) قیصر امین پور..... مجلہ کے مدیر تھے۔ (نخن، سروش، آشنا، نیرنگ)
- (۸) انقلاب اسلامی سے قبل کی شاعری میں..... کا عام رجحان تھا۔ (انارپستی، اخلاقیات، سماجی مسائل، لذت جوئی)

4. Write an essay on any **one** of the following in Persian Language :—

16

- (۱) شاعر شہر ہند
- (۲) زبھر حق مرا استاد سازید (شوخی انگیز)
- (۳) صحت بدنی
- (۴) مادر من

5. Scan (تقطیع) any **four** couplets of the following :—

16

(۱) تو شب آفریدی چراغ آفریدم

سفال آفریدی ایغ آفریدم

(۲) گرچه در ظاہر مسلمائیم باطن کافریم

منکر حق خصم دین غافل ز روز محشریم

(۳) سوالی کن زمن امروز تا غوغا بشهر افتد

کہ اعجاز فلانی کرد گویا بے زبانی را

(۴) نیننی کہ از کاشغر تا بہ کاشان

همان یک نوا بالد از ہر دیاری

(۵) نمی دانم چہ منزل بود شب جای کہ من بودم

بہ ہر سو رقص بسل بود شب جای کہ من بودم

(۶) اے چہرہ زیبایے تو رشک بتان آذری

ہر چند و صفت می کنم در حسن زان بالا تری